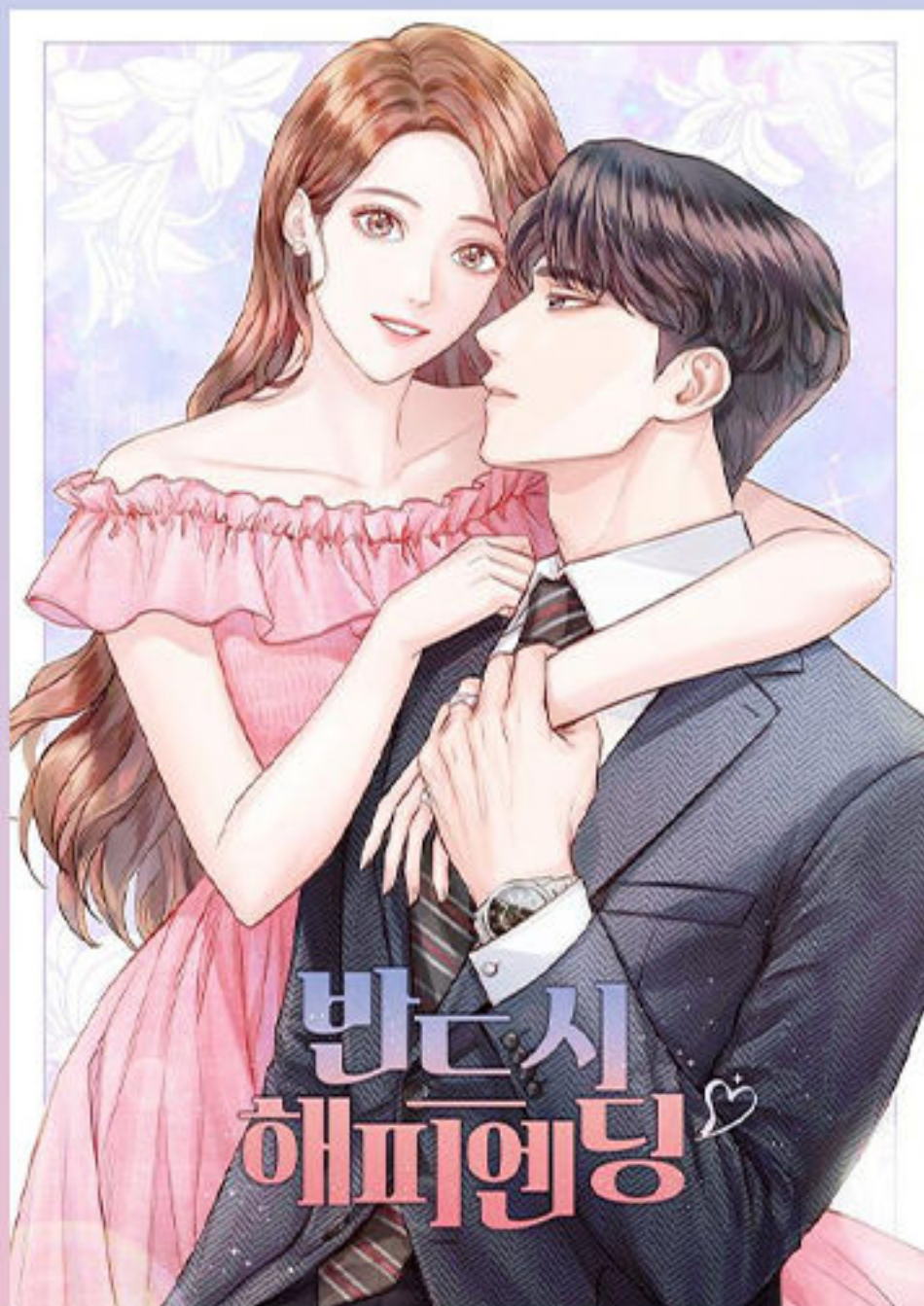




IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Powker
Hell
Robin

مترجم:

کلینر:

تایپیست:







فعلاً نه برادر.
هیچی نشد.

ای!



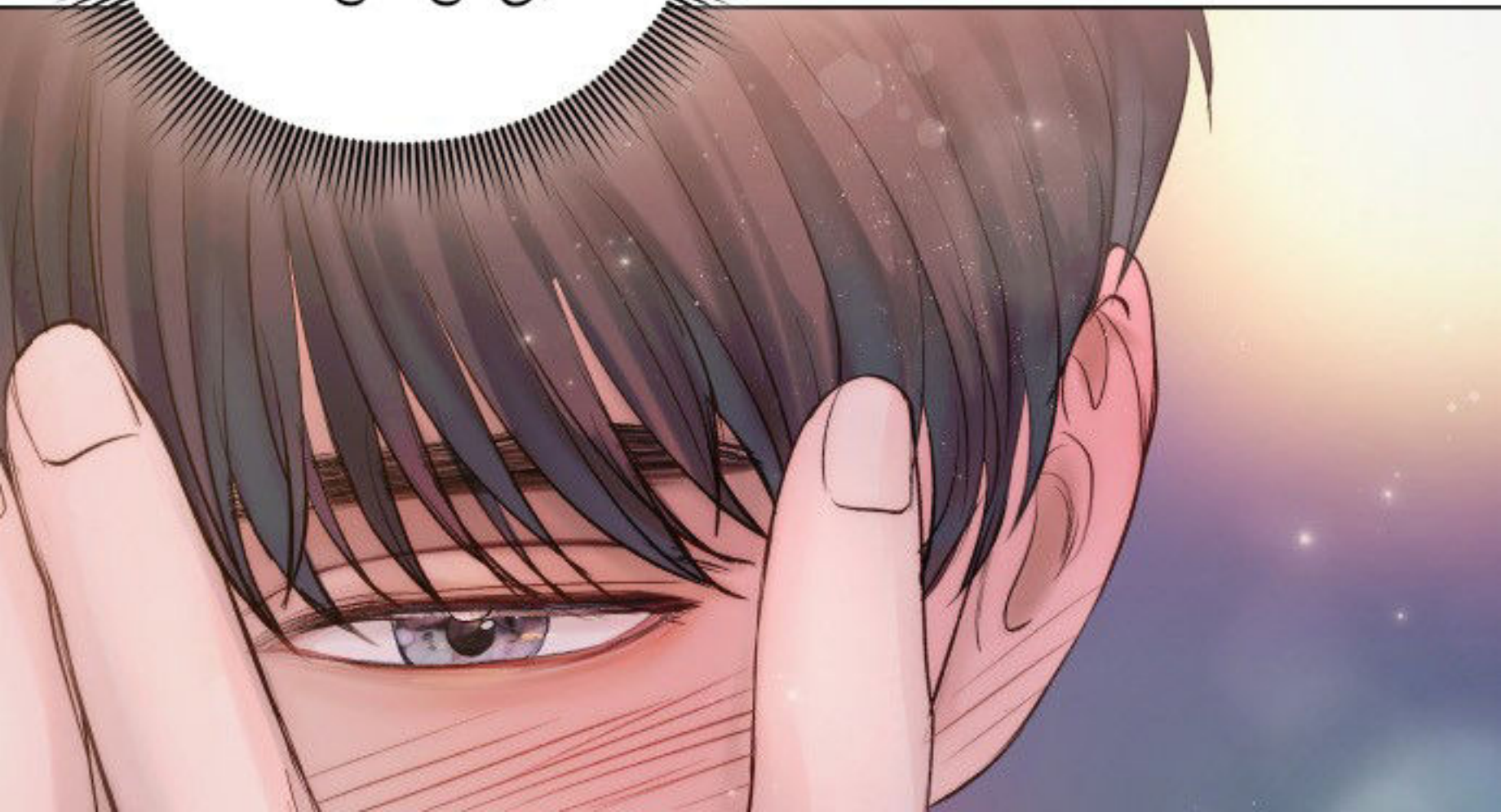
من هیچ
غلطی نکردم.







کانگ سون چه.
اون داره هفت پادشاهو
مخواب می پینه. چه غلطی
داری می کنی آخه؟!





آشغالی پیش
نیستی.

نوشیدنی که
در کار نیست



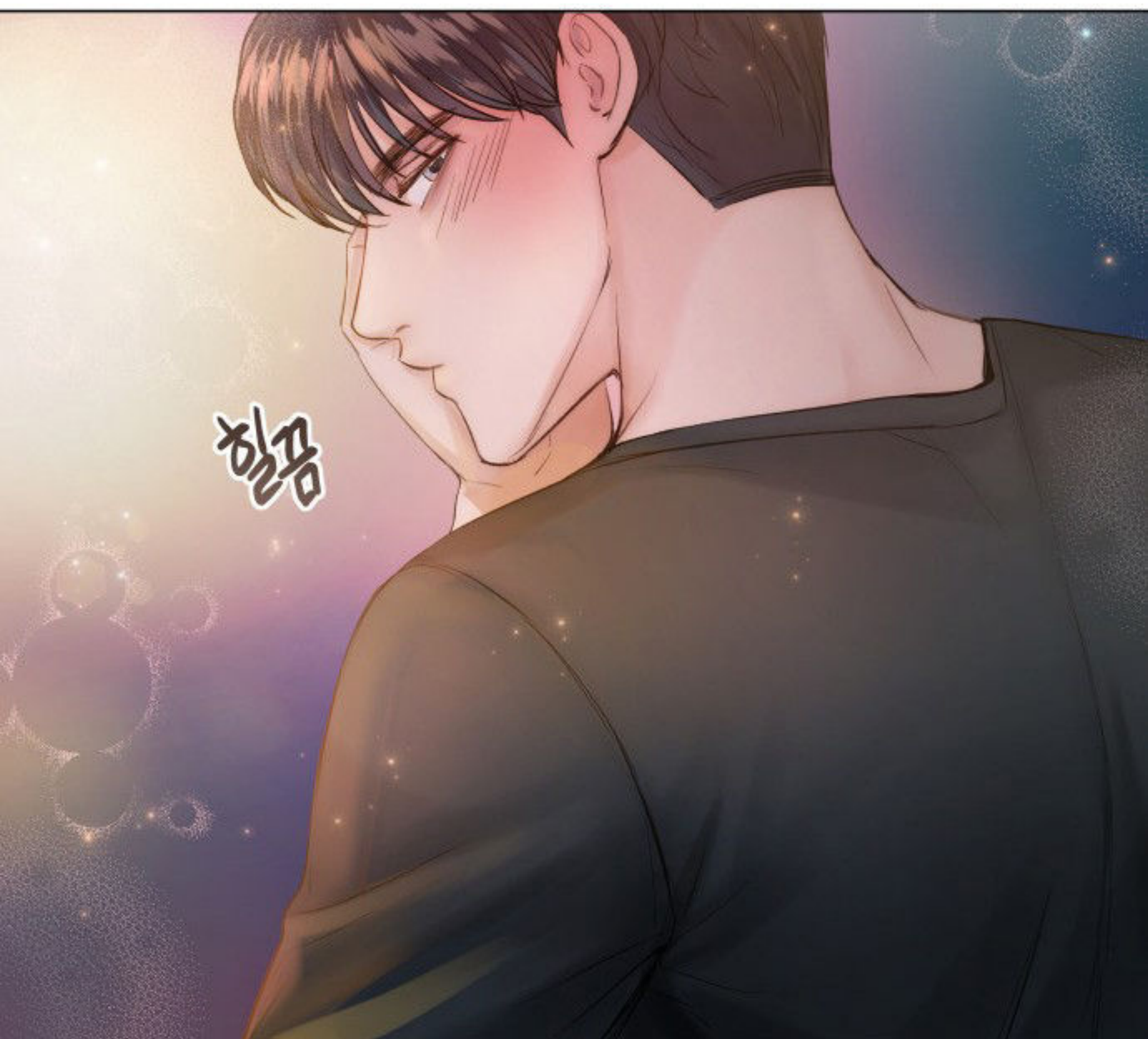
حتی نمیتونم
هم بخوابم.

نمی توانم خودمو
کنترل کنم وقتی تو
یک تخت خوابیدی.



این دیگه
چه احساسیه؟!

پوکر: غریزه جنسی. داری مثل حیوون
می ری تو دوران جفتگیری دا

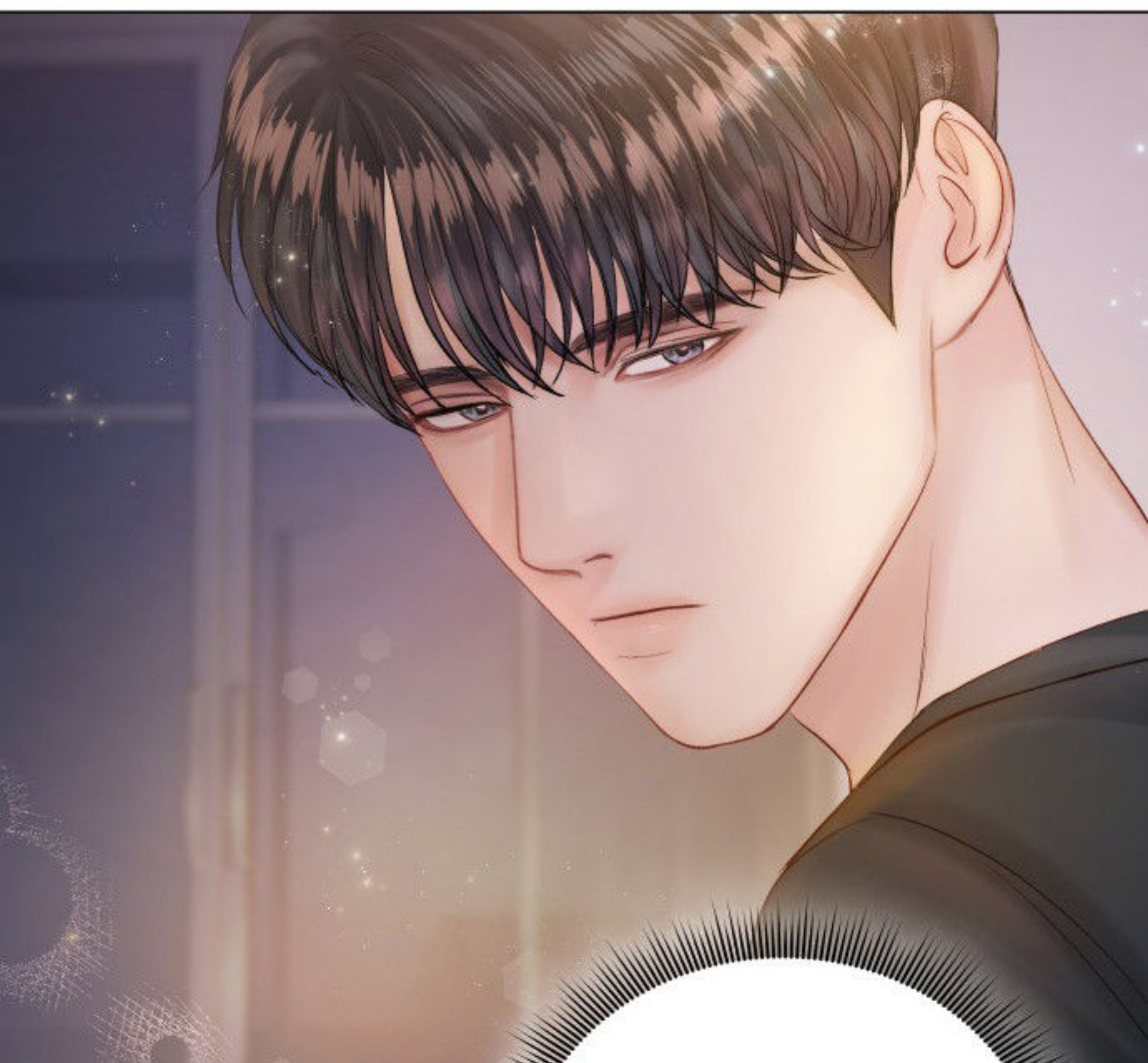


تخت گرفتگی

خوابیدی برای
خودت ، نه ؟

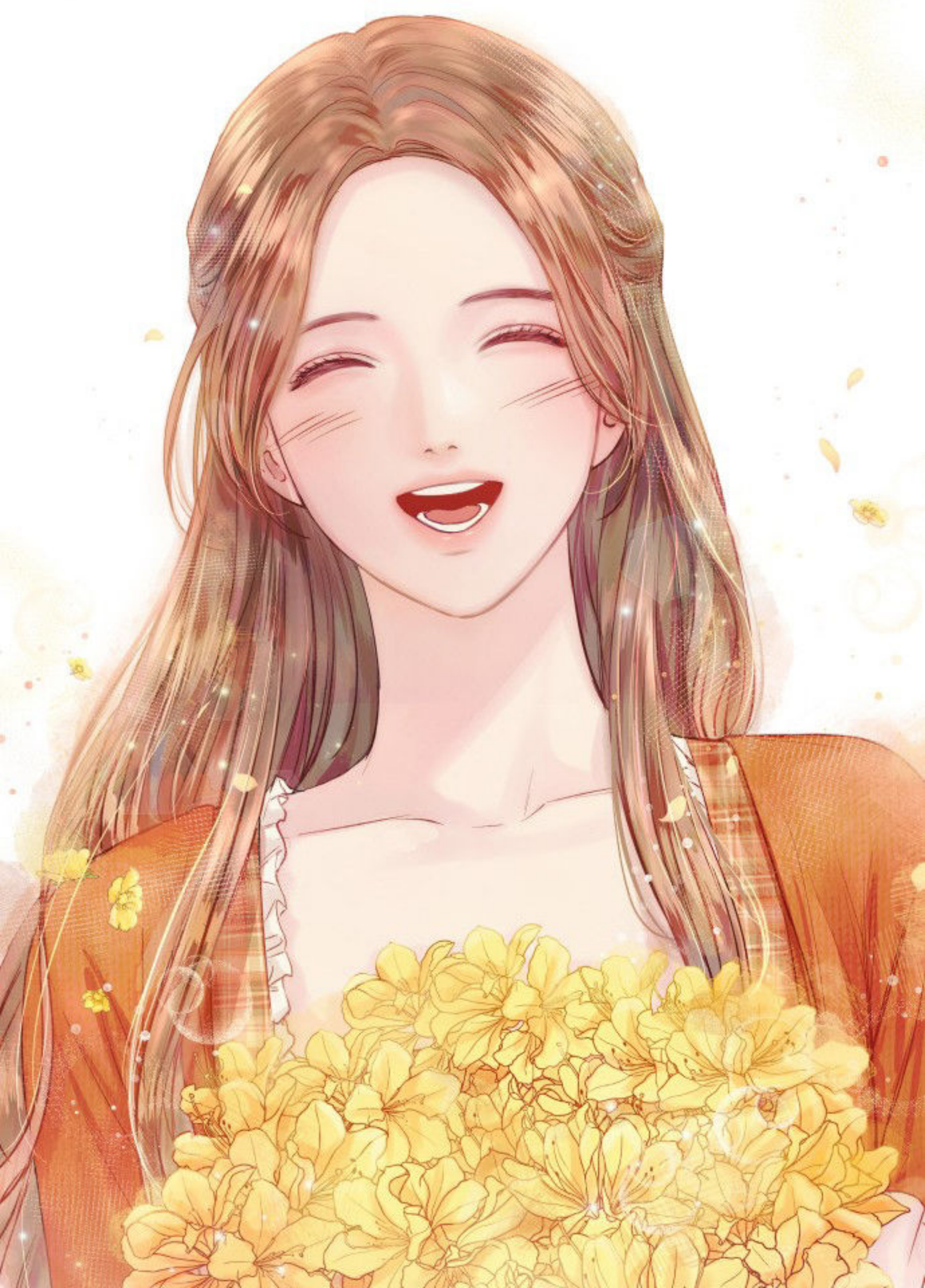
으랏..

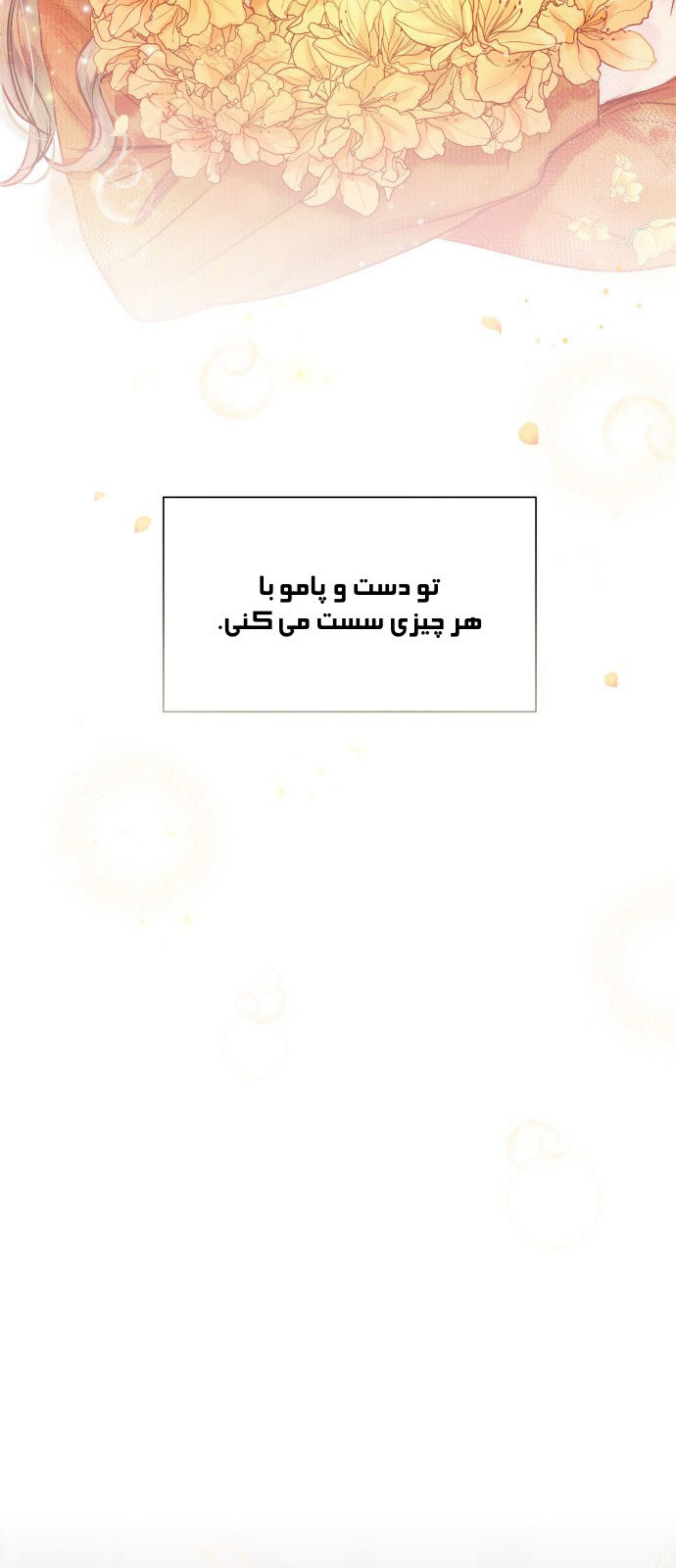
وقتی
پُخوای لمس می کنی،
لمس می کنی .



ولی من نمیتونم
همچین کاری
باهات بکنم.

ما با باهم زندگی کردنمون
مشکلی نداریم ولی ...

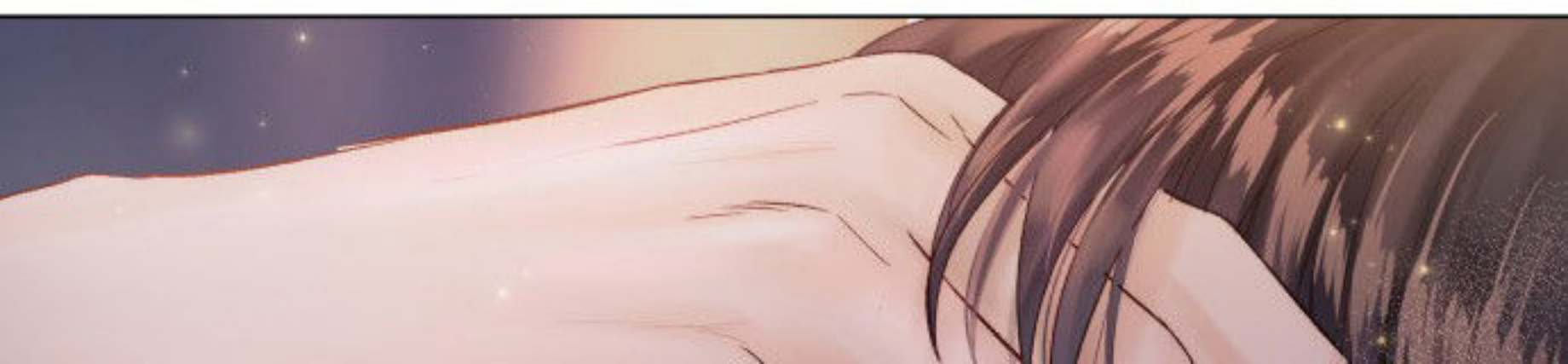




**تو دست و پامو با
هر چیزی سست می کنی.**



کانگ سون چه،
گوساله ای بخدا.





هوف، چقدر

گرمه اینجا.

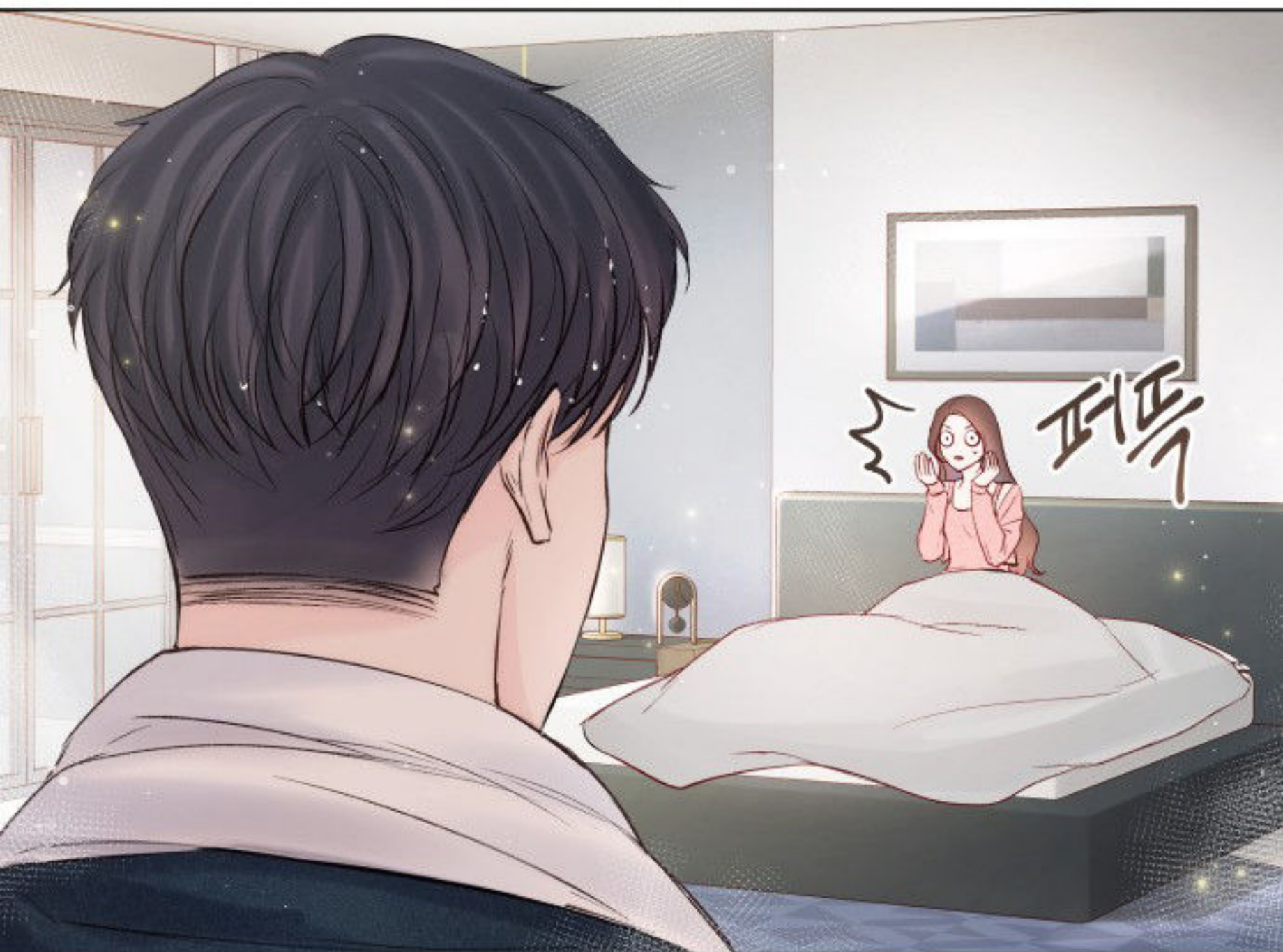


반드시 해피엔딩♡

각색 불사 그림 재림
원작 플라다







چہ چرا تو اتاق
تو خوابیدم ... ؟



من آوردمت
اینجا.

عکس





اون چي پور
ديکھ؟



울적!



داری تقصیر رو
می اندازی گردن من
الان ... ؟!

... چرا؟



اگه منو آوردی
اینجا، می تونستی خودت
بری اتاق من ...

دیدم اون بیرون
گرفتی خوابیدی، نگران
شدم برای همین
آوردمت اینجا.



چشه مگه اتاقم؟
تو راحت بودی،
همین کافیه .



پوکر: نه نه







داری سرم
داد می زنی



تن صدام
همینجوریه ...





ترسوندیم.
من فقط رو تخت
خوابیدم ...



تو هم منو
ترسوندی. تو رو زمین
خوابیده بودی.

...نیازی
نیست اونجا منتظرم
بمونی...!

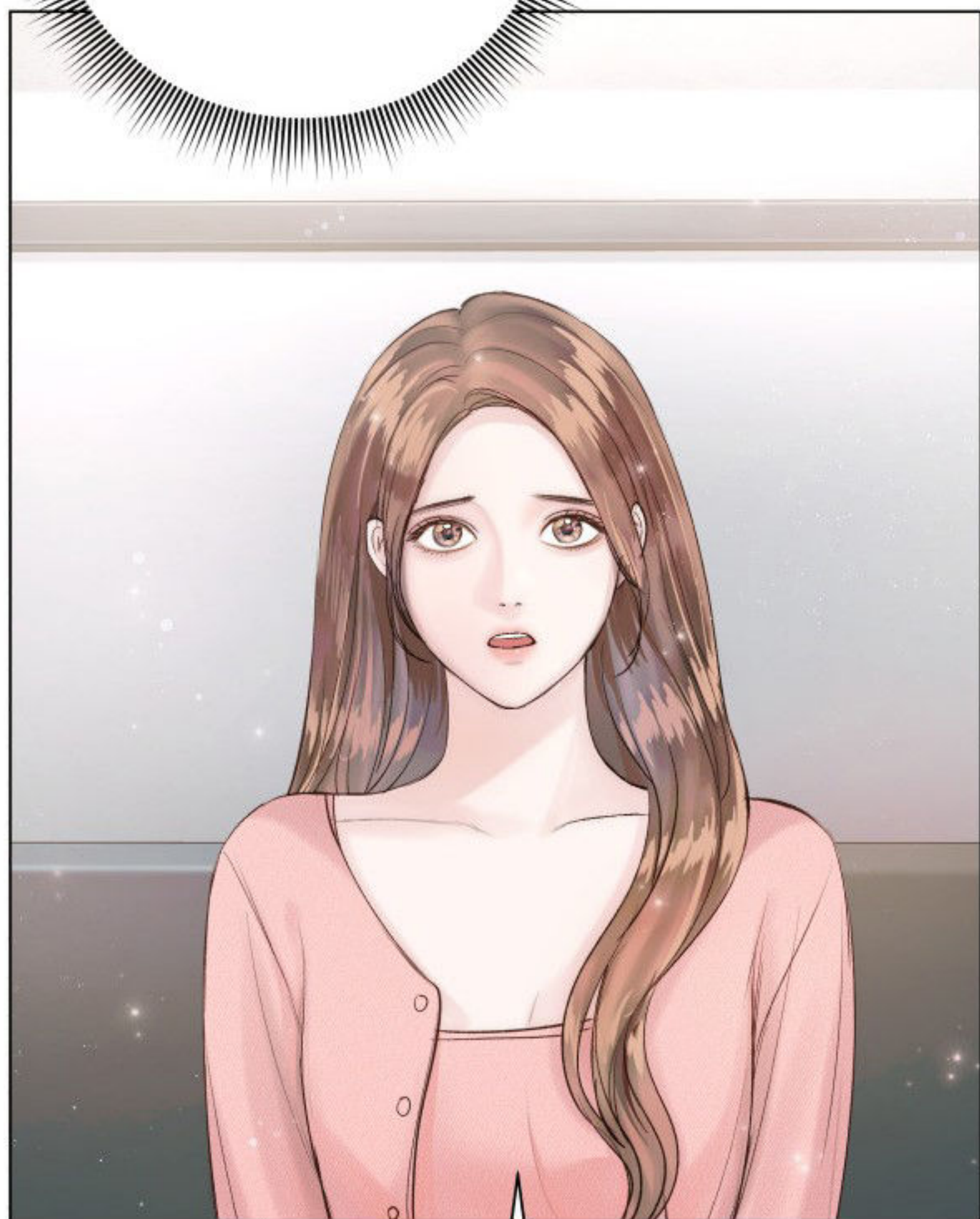




هر جا عشقت
کشید خواب .

چرا صداشو
آورد پایین ؟

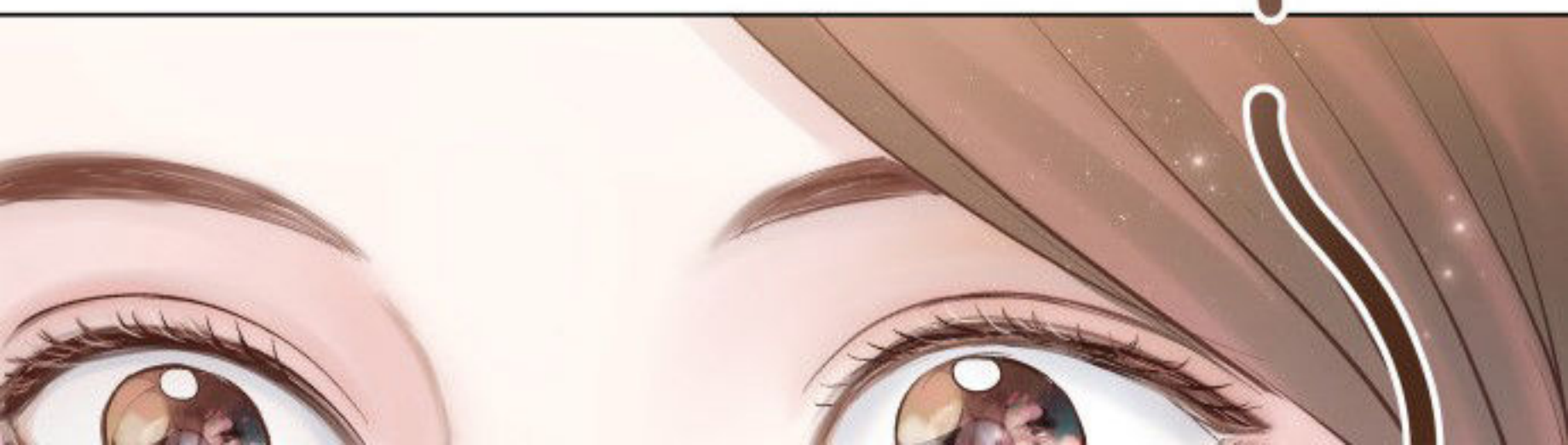
موقع خوابیدن
کار اشتباهی کردم ؟



پوکر: نه. اولی ناراحتی که
چرا کار اشتباهی نکرد

باشه...

آه





하!





١٢٥٠

بیا به چیزی
بریم بخوریم.



نیازی نیست
بابا، خوبم.



آماده شدی
میریم، باشه؟



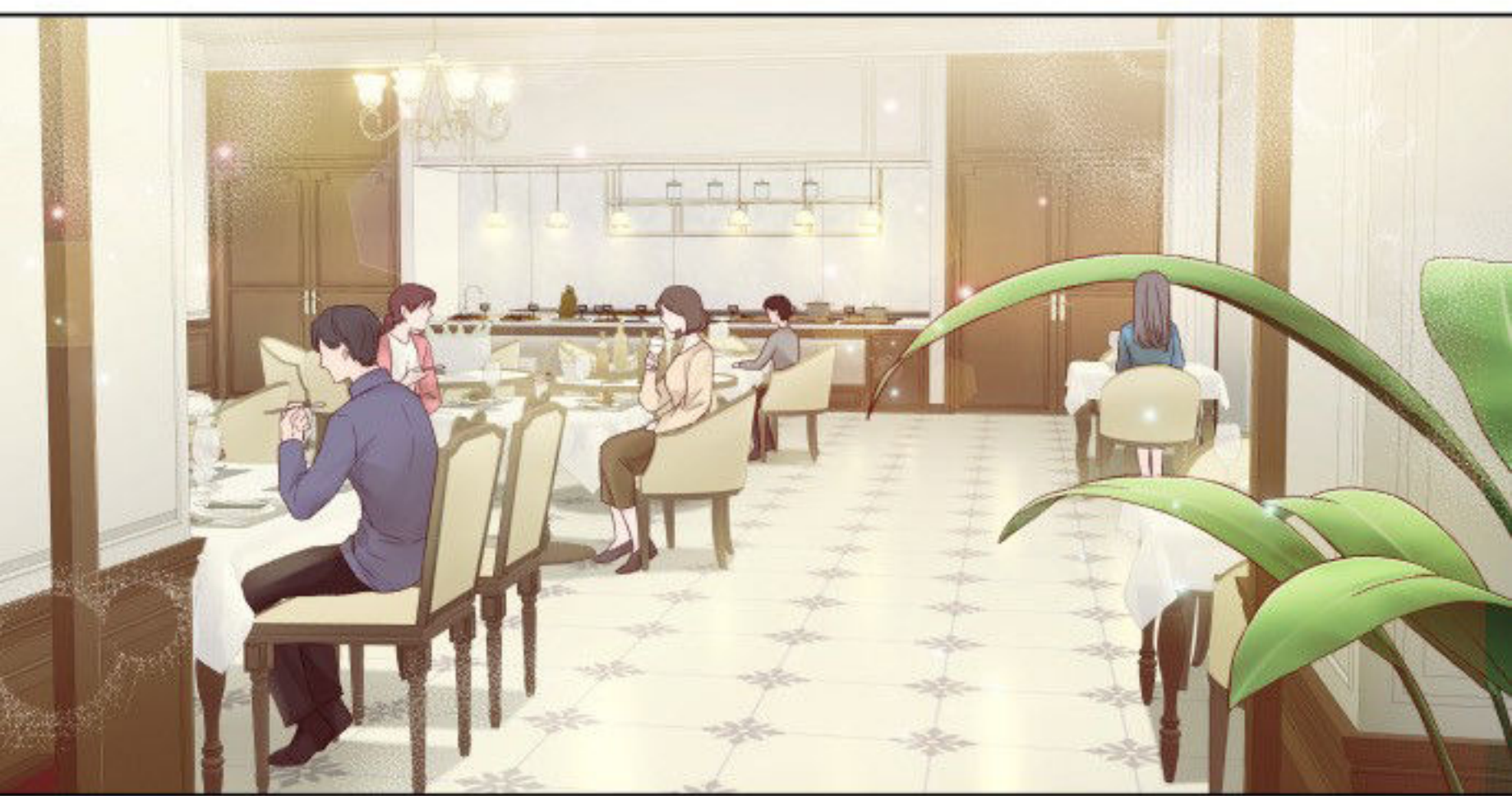
من به خدا اوکیم...

와

تو کافه تریا
هم می تونم به
چیزی بخورم.

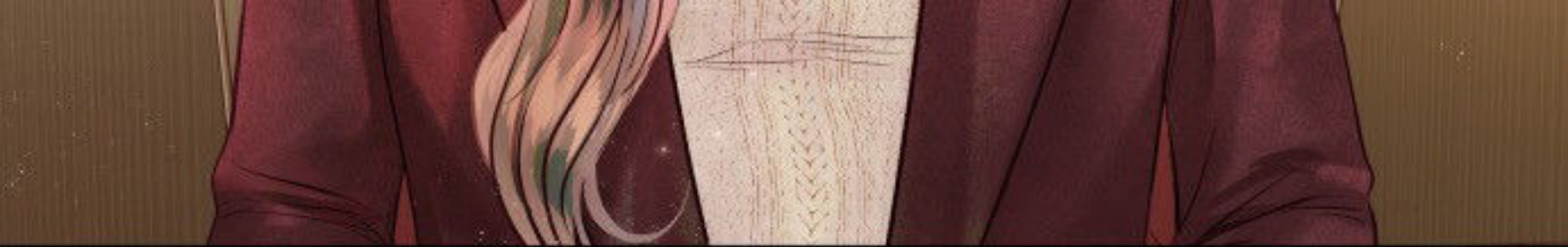


پس منم
میام تا باهات
بخورم !



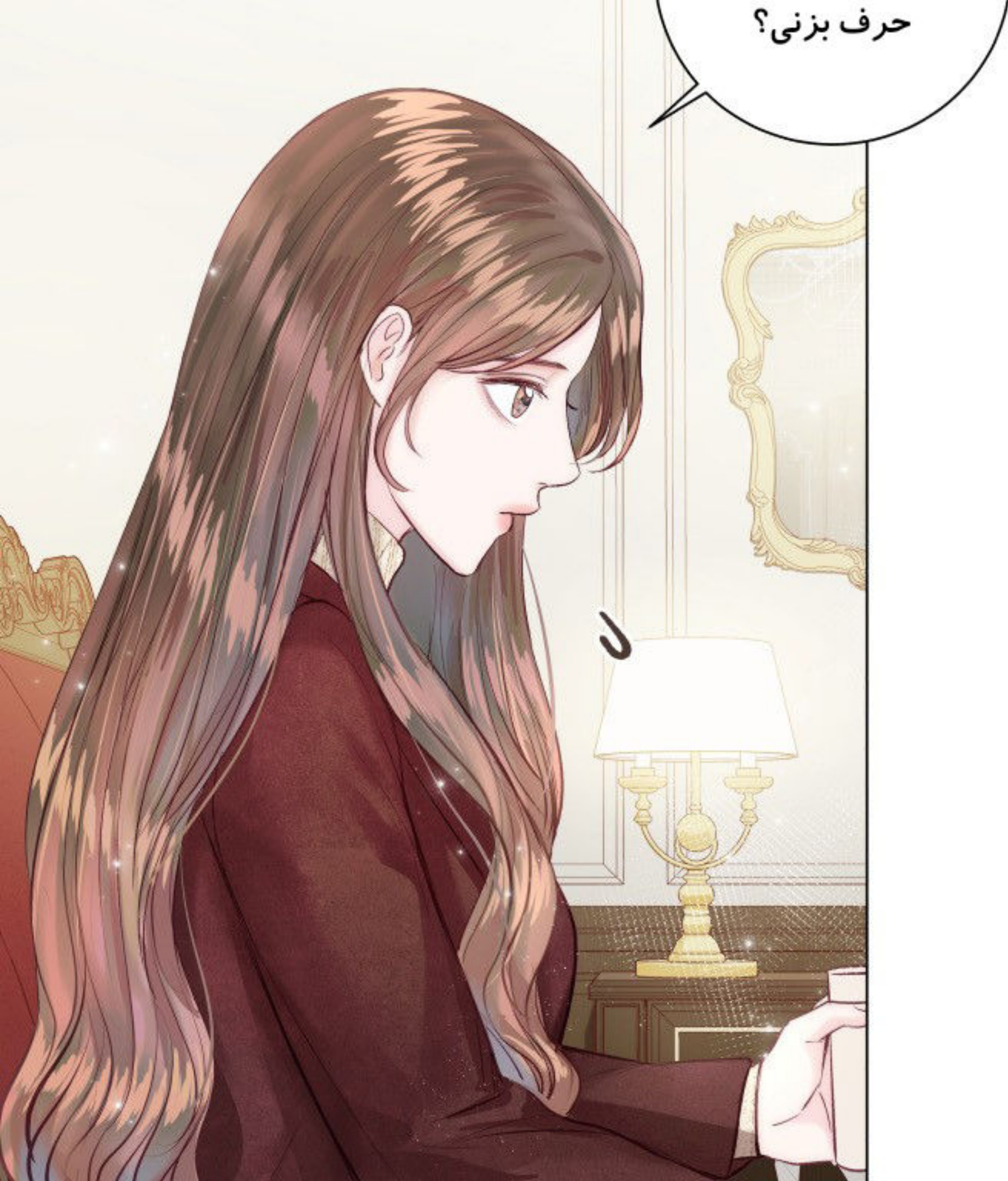






اینکه یهویی
باهام داریم یه وعده
می خوریم...

می خوای
درباره چیزی باهام



حرف بزنی؟



باید دلیلی داشته
باشه که بخوایم باهم
چیزی بخوریم؟



این اولین باریه
که باهم به چی داریم
می خوریم.

چرا اینقدر یهوپی
آخه؟ پروردگارا





من واقعاً به
سلامتیت اهمیت
میدم



و درباره
چک آپ هم،



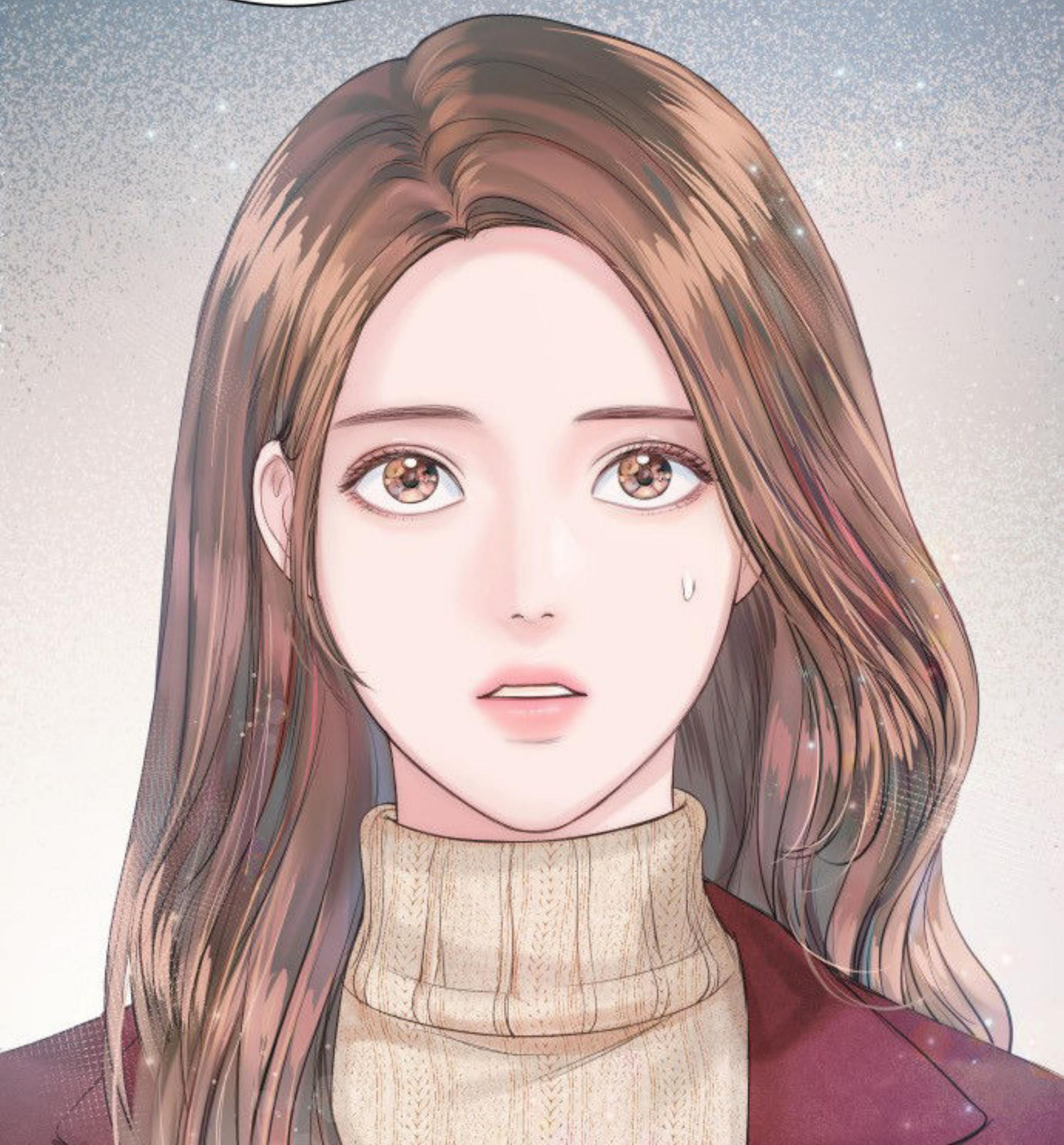


خیلی لاغر نیستی؟





منظوری ندارم،
فقط می‌خوام از سلامتیت
مطمئن بشم.





اینطوری،
نمیخواهی درباره اینکه
بهش اشاره کردم،
سوالی پرسی؟



موضوع مهمیه،



پوکتر: منظور من از نگرانیه قاتل کتم

یا قصد داری
منو بکشیم؟

هائ؟
پی رو بکشیم؟؟

No!

حرف دهنده
بفهم!



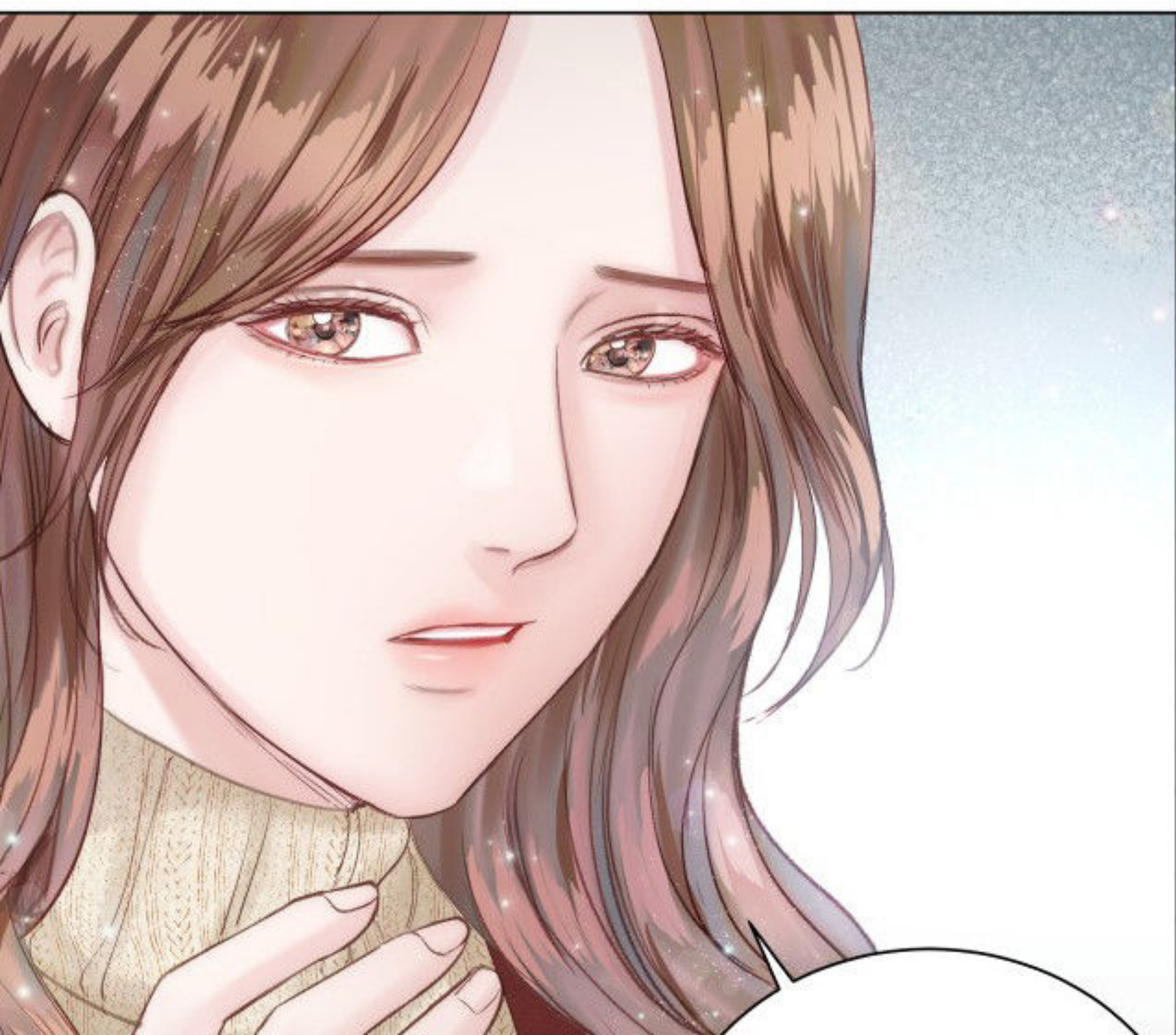
عقل نداری به مولا...

بازداری
چرت و پرت
میگی...



دارم میگم که
باعث میشه هی فرط و فرط
برم چک آپ.

چک آپ.





فک نکنم تو
باقی زندگیم همچین
کاری کنم.



وقتی کاملاً
سالم باشی،

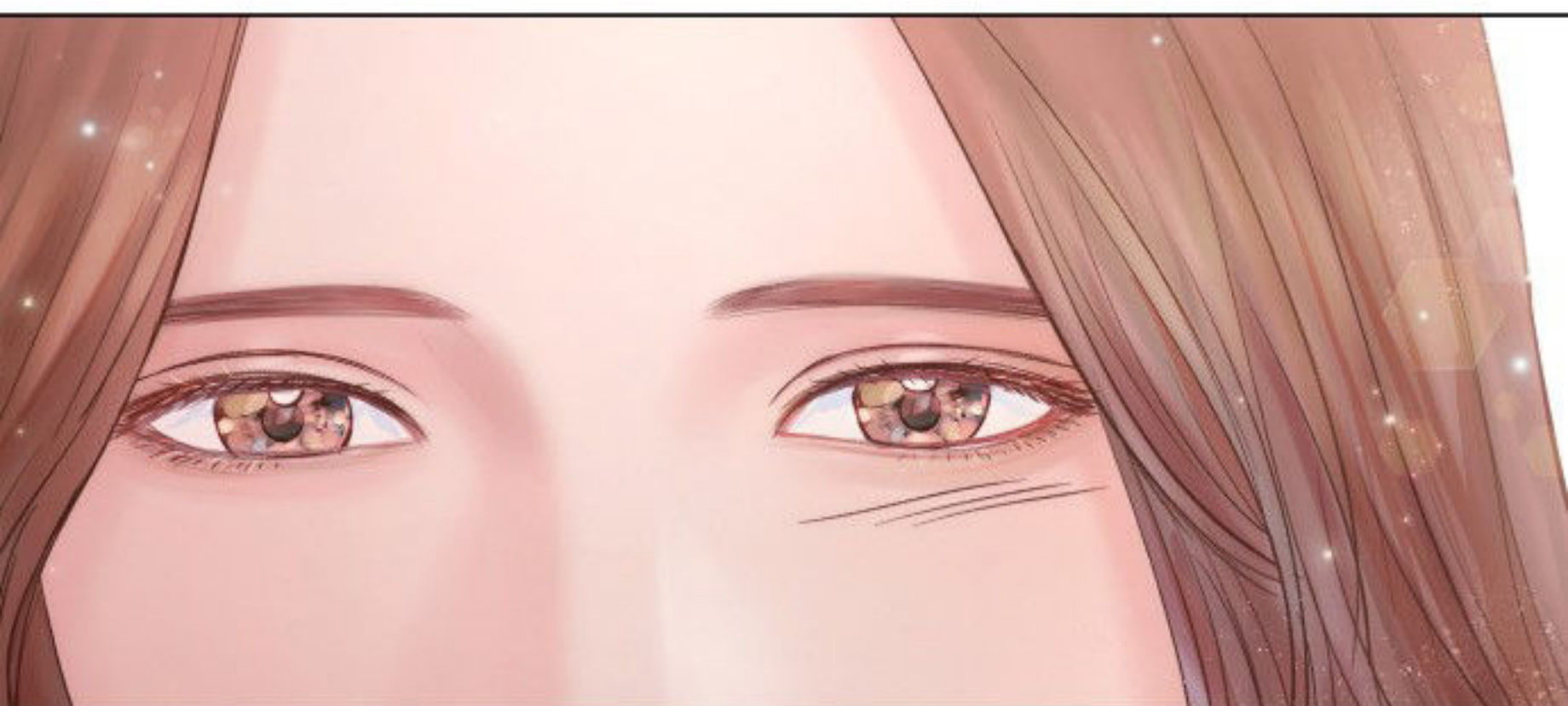
دیگه توجهی
بهش نمی کنم.

اگه بتونم از شر
اون کابوس خلاص شم،



دیگه همه
این کارها رو تموم
می کنم حتماً.

امیدوارم امسال و سال بعد،



هیچ اتفاقی برات نیافته و ما
با هم زندگی کنیم.

امیدوارم این
روزها بیان





شاید درباره ت
اشتباه می کردم.



فک می کردم
مهربون و شیرینی.

ولی این اواخر...

این کوزه
تقلیه.

حرف دهنتو
بفهم!

یکم پر خاشگر
شدی.

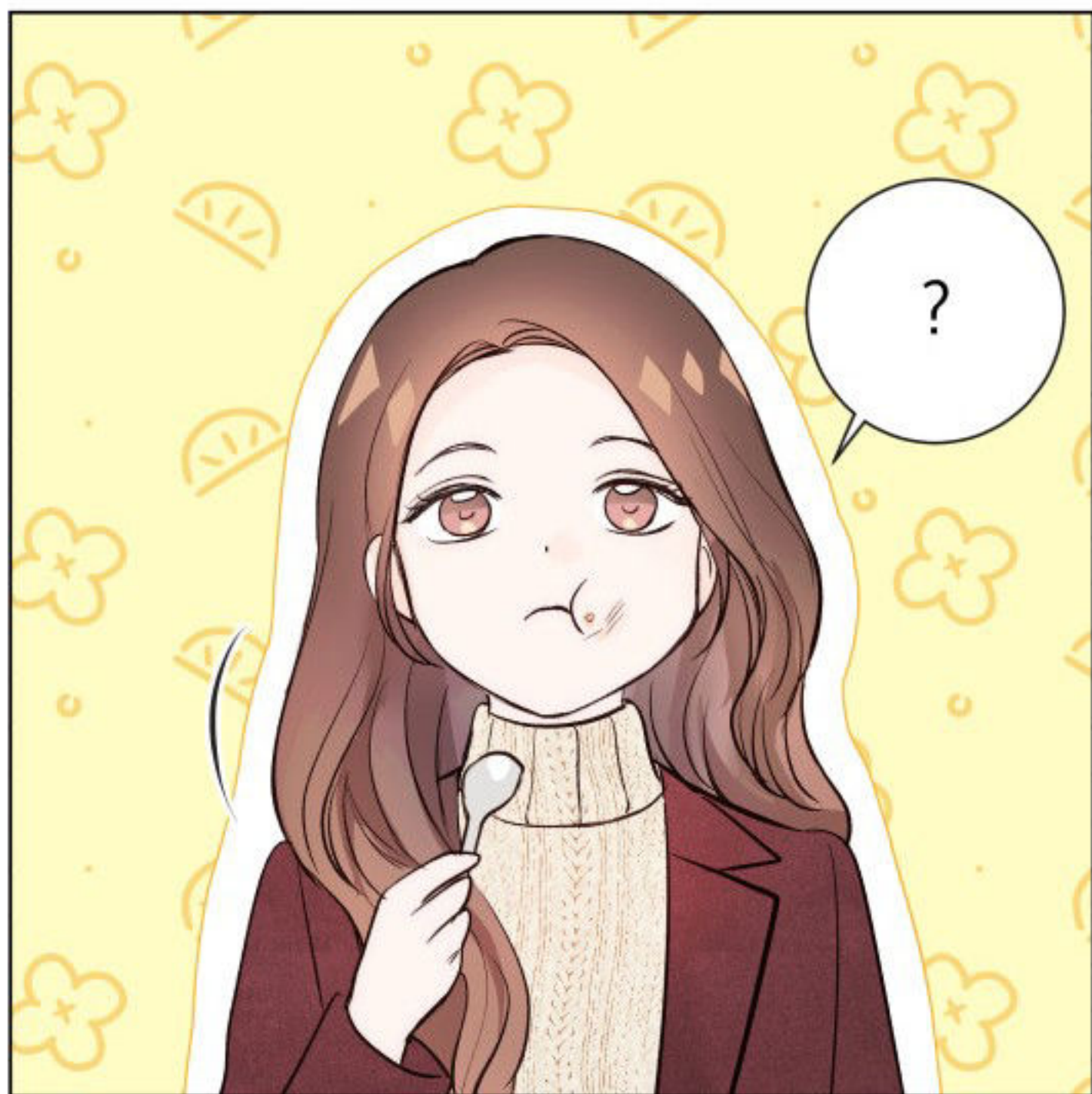
پر حاشگر !!



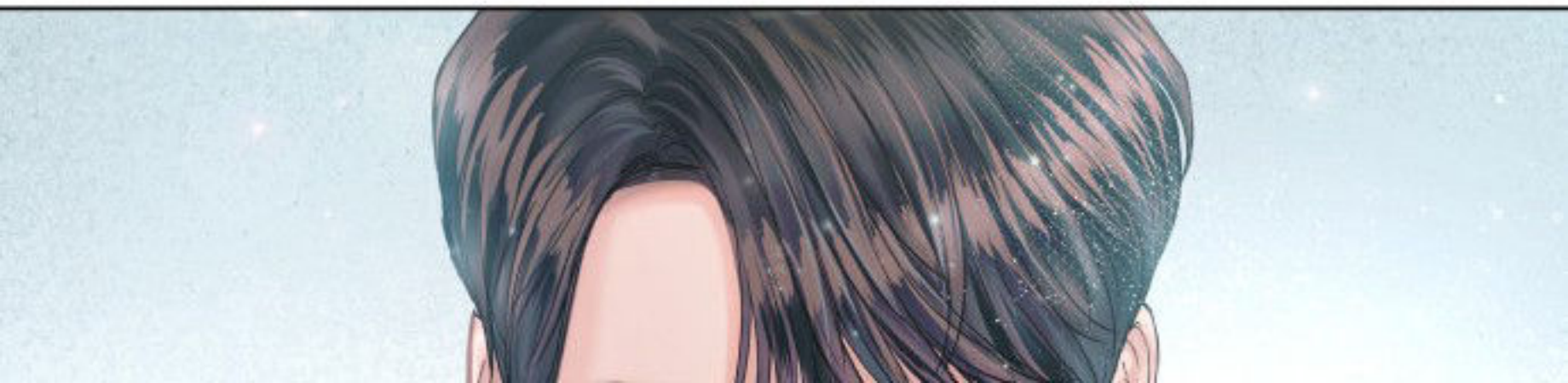
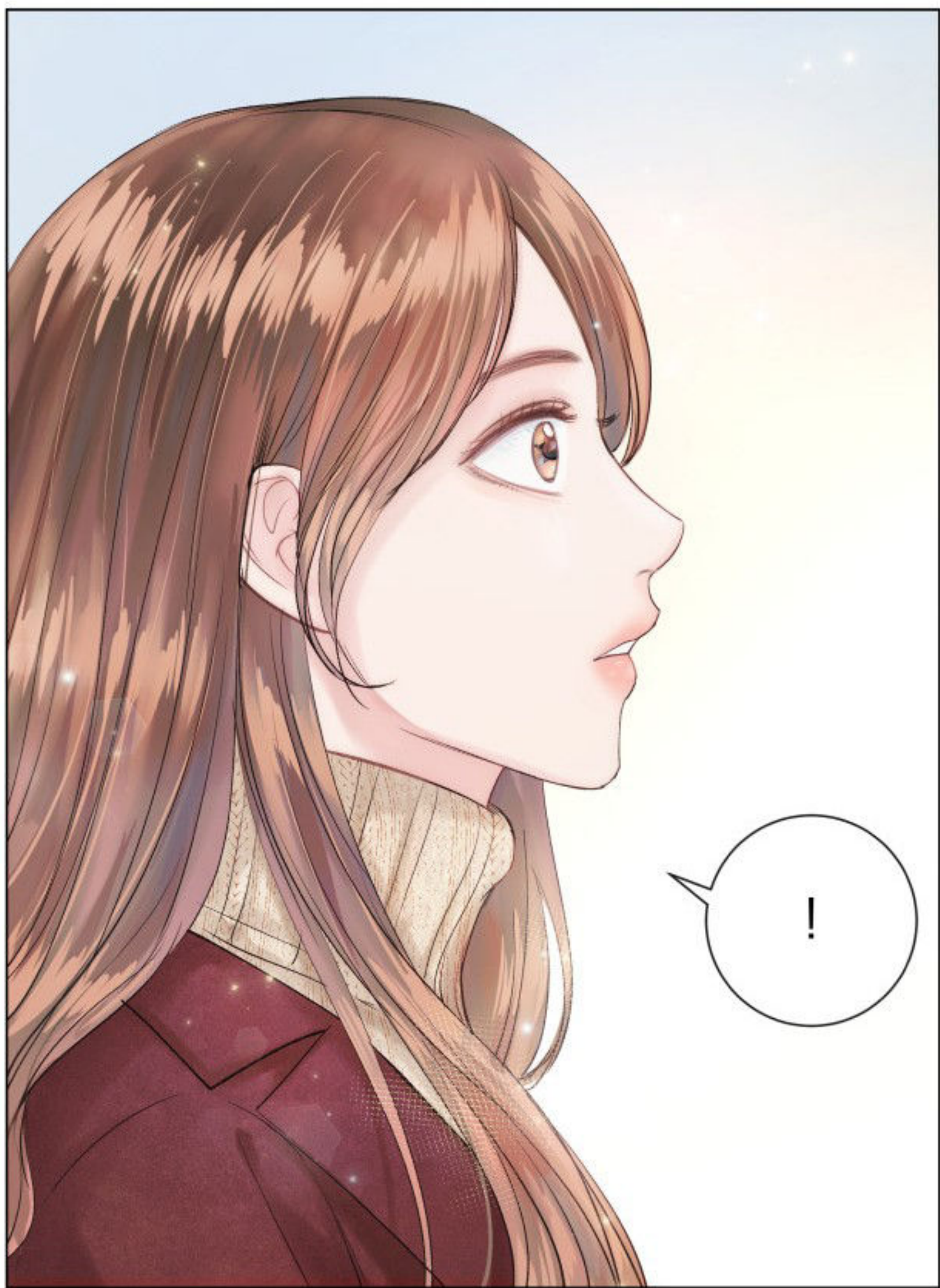


لی یون وو.



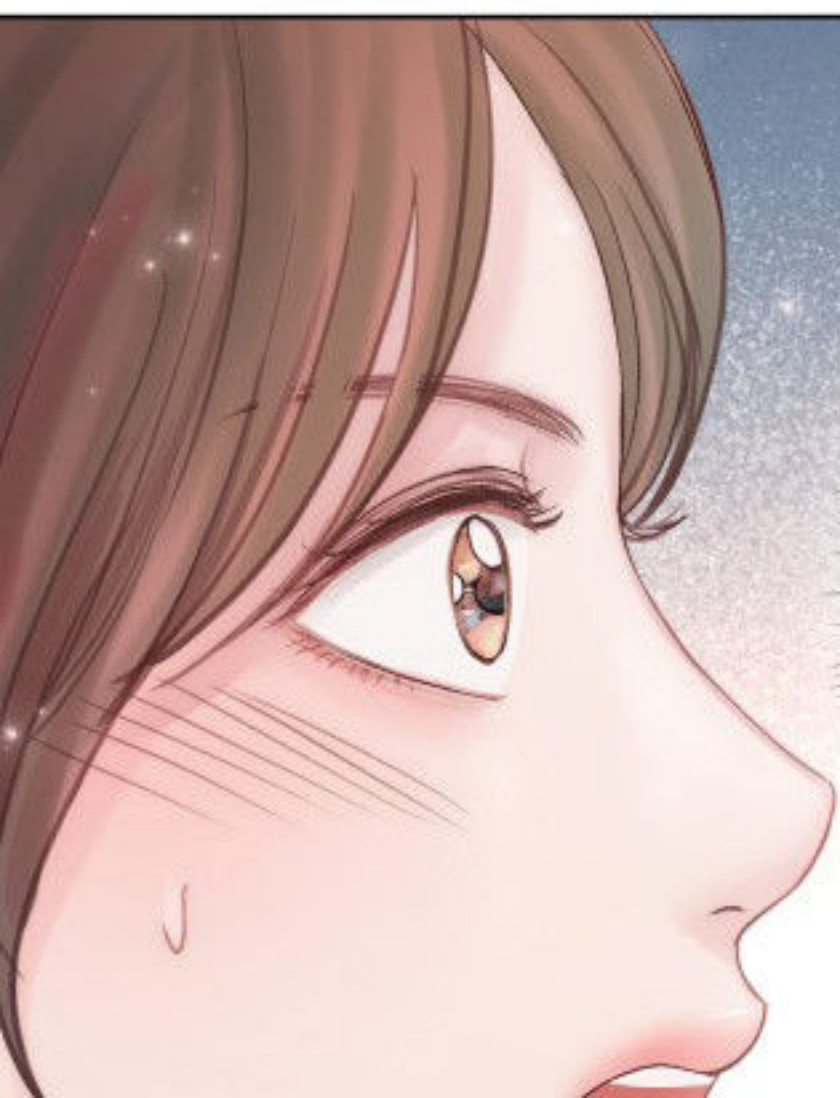








چی... داری
چیکار می کنی؟!



چرا اینقدر
نزدیکههههه!



Too



چرا اینقدر
نزدیک داری
میای؟!

دهنتو پاک.

ot..





اینقدر نزدیک
اومدن...





من مَحْدِ اُونِ
قیافه اُمِ رُو نَشُونِ
دادم.

یعنی فضای پینمون،





می تونه کمتر هم بشه ... ؟





An illustration of a man and a woman standing behind a light-colored wooden table. The man, on the left, has dark hair and is wearing a dark grey cardigan over a light-colored t-shirt. He is looking down at a clear glass of water on the table. The woman, on the right, has long, wavy brown hair and is wearing an orange cardigan over a white dress with a pink bow at the neckline. She is looking directly at the viewer. A speech bubble is positioned in the lower right corner of the image.

جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره